

هن از قتل پروین تعجب نکردم!

قتل پروین در آئینه تفکر بقدری روشن و صاف جلوه کرد که هر چه نگاه کردم نقطه تاریکی حاکی از ابهام و یا استفهام در آن ندیدم. زیرا همیشه منطق راهنما بوده و فکر را از لغزش و قضاوت نا صحیح باز میدارد.

خلاصه اخبار منتشره در مطبوعات در خصوص قتل پروین از اینقرار است:

صبح روز پنجشنبه ۶ دیماه در خیابان فیشرآباد در خانه سابق یک سرگرد نظامی علی نوکر خانواده دو نفری پروین را غافلگیر کرده و پس از ۴ دقیقه زد و خورد و حملات وحشیانه و مقاومت‌های قهرمانانه سرانجام زن جوان از پا درآمده و در آتش و خون غرق گردیده و نابود شده است. در این بین همسایه‌ها خانه محل وقوع جرم را در محاصره داشته و از پشت در علی را نصیحت و بتراک فعل جنایت‌آمیز دعوت کرده‌اند. ولی از ترس علی جلوتر نرفته و در جلوگیری از وقوع جرم تصمیم قاطعی نگرفته‌اند. بکلانتری نیز تلفون‌ها شده پلیس غفلت کرده سرعت در محل وقوع جرم حاضر نگردیده و کار از کار گذشته است. علی آخرین تصمیم خود را گرفته و بقصد انتحار خود را از طبقه چهارم بصحنه پائین خانه انداخته ولی بر حسب اتفاق نمرده و در انتظار دادرسی و مجازات فعلا تحت معالجه میباشد.

اما مطلب و خبر اساسی اینها نیست که تا اینجا بسمع مردم رسیده است. بلکه اصل مطلب اینست که بایستی دید وقوع جنایت در چه شرائط رخ داده و چگونه باید تجزیه و تحلیل گردد.

آنچه مسلم است علی نه مجرم بالفطره بوده و نه مجرم عادی بلکه او مجرم اتفاقی میباشد که شرائط ناموزون زندگی در قصد مجرمانه او دخالت کلی داشته است. جای بحث و گفتگو نیست که علمای حقوق و علم الاجتماع ثابت کرده‌اند که احتیاج و فلاکت یکی از محرکین اصلی مجرم بانجام جرم میباشد. احتیاج بر دو قسم است: جسمی (فیزیولوژیک) یا روحی (پسیکولوژیک).

گرسنگی، نداشتن مسکن و پوشاک و فقدان سایر وسائل ضروری زندگی از احتیاجات جسمی محسوب میشود.

محرومیت جنسی، عشقی، حسادت، احساس حقارت و جراحت حیثیت و آبرو از مسائل و احتیاجات روانی است که بشر را به پرتگاه جنایت سوق میدهد.

علی در محرومیت جنسی بی‌آنکه کسی متوجه این امر شود در ناسازگارترین و مخوفترین شرائط زندگی خود را بسر میبرد است.

او گویا ۲۲ سال داشته و در عین جوانی محروم از داشتن عیال و خانواده بایک زن جوان ۱۹ ساله در یک محیط محدود و در بسته با فراهم بودن هرگونه شرائط آسایش و

زندگی قرار گرفته بود. وضع علی طوری بوده که پروین ۹ ساله سهل است اگر در کنار یک زن چهل ساله نیز زندگی میکرد قطعاً حالت عاشقی بخود گرفته و بیقرار میشد. اینکه گفتم حالت عاشقی برای اینست که علی در آتش عشق نمیسوخته بلکه تن و جان او در لهیب شهوت زبانه گرفته و ذوب و خاکستر میگردد است. محرومیت اوطبعی و اولیه بوده و جای بحث و ایراد نیست. بدون اینکه اسمی از یکی از علمای درجه اول تاریخی عالم اسلام بپریم خبری از او نقل مینمایم: از شیخ عالم و دانشمند عصری سؤال میشود اگر شما با یک دختر ۱۰ ساله در بستری قرار گیرید با این پیش آمد چگونه برخورد مینمائید. عالم متقی جواب میدهد من از خداوند خواهم چنین روزی بمن نرسد و چنین آزمایشی از من نکند!

بدیهی است علی از مجتهد دانشمند و متقی، متقی تر نمیتوانست باشد. او یک آدم عادی و در شرائط حیوانی زندگی میکرد. بنا بر این حشر و نشر علی با پروین مانند قرار دادن آتش در کنار بنزین بوده است.

مسئلاً نتیجه آن انفجار و خون و آتش بوده است. پس در اینصورت اگر مقصرا اصلی علی میباشد سایرین نیز بی تقصیر نیستند. ما مقصرین را یک بیک معرفی مینمایم:

۱ - **مسئولیت علی** - علی با احساس ترس و وحشت از اخراج از خانه و محرومیت از زندگی مرفه «حظ بصر» کار و مواجه شدن با بیکاری و در بدری و طغیان آتش شهوت، نیرو و مقاومت خود را از دست داده و چون حیوان درنده انسان بیگناهی را در خون خود غرق کرد باید مجازات شود.

۲ - **مسئولیت جامعه و دستگاه هدیریت** - آری علی و امثال او در اجتماعی که زیر پرچم مسئولیت آن زندگی مینمایند اگر دارای تکالیفی هستند صاحب حقوقی نیز میباشند که از استفاده از آن حقوق محرومند و موانع در پیش دارند. علی بسن و سالی رسیده بود که ازدواج کرده و خانواده تشکیل دهد و در خانه لا اقل سه اتاقی و با کار آبرومند زندگی نماید. علی به تشکیل خانواده قادر نبوده است. زیرا جامعه عملاً خود را مسئول کار و زندگی علی و امثال او نمیداند علی و نظائر او حق دارند کار، خانه، بهداشت، تحصیل، کسب معرفت و تربیت از جامعه بخواهند و جامعه حق ندارد دست رد بسینه آنها بگذارد. جامعه و دستگاه حاکمه باید ضامن سعادت و زندگی سالم و آبرو و حیثیت افراد خود باشد.

این ضمانت قراردادی نیست بلکه ضمانت قهری است. داعیان و زعما و حکام مسئولیت قهری دارند. و بایستی از عهده مسئولیت خود برآیند و گرنه کنار رفته مسئولیت را بعهد دیگران محول نمایند.

پس جامعه در قاتل شدن علی و مقتول شدن پروین نیز مسئول است و شریک جرم میباشد.

۳ - **مسئولیت شوهر مقتول** - شوهر مقتول غفلت کرده و موضوع را از لحاظ اجتماعی و روانی نتوانسته تجزیه و تحلیل نماید و دو عنصر متضاد (علی و پروین) را در نزد هم گذاشته و در کار خود غرق گردیده و نتوانسته تشخیص دهد که نوعروس جوان ۹ ساله را نباید در کنار یک نفر جوان ۲۲ ساله نسبتاً دارای ریخت و سیما بگذارد. عمل او آتش انداختن بانبار باروت و یا بنزین بوده است. نتیجه آن همان بوده است که رخ داده است.

۴ - مسئولیت پدر پروین - او نیز بسهم خود مسئول میباشد. زیرا اگر د اباد جوان وبی تجربه بوده او مجرب بوده ومراحلی در اجتماع گذرانده وتجارب ومشاهداتی داشته است علی تحفه ای نبود که از او حمایت کرده ودر ابقای او در خانواده دونفری اصرار نماید. بنابراین او هم اشتباه و غفلت کرده و مسئول میباشد.

۵ - مسئولیت پلیس - اگر اخبار مندرجه در مطبوعات صحیح باشد پلیس نیز بسهم خود مسئول میباشد. زیرا پلیس مکلف بوده بمحض اطلاع از گزارش تلفونی، برق آسا در محل وقوع جنایت حاضر شده و درد قایق اول در اطفای آتش جرم اقدامات فوری و باز میگویم برق آسا انجام دهد.

متأسفانه معلوم نیست غفلت چگونه دامنگیر پلیس گردیده و تصمیم فوری و آنی اتخاذ نکرده و ۵ دقیقه فرصت سپری و جنایت بوقوع پیوسته است.

۶ - مسئولیت همسایه ها - کسانی که در اطراف خانه محل وقوع جرم حاضر بودند نیز مسئول اند و خطا کار. حتی با توجه بقوانین جزائی بعضی ممالک راقیه از جمله فرانسه و غیره بعلت ترك فعل قانونی و انسانی مجرم وقاتل جلب بدادرسی میباشد. زیرا آنها میگویند ما بعلت ترس بصحنه جرم نزدیک نشدیم. وحال اینکه ما میگوئیم ترس یکی از عوامل بدبختی فرد و اجتماع بوده ویکی از صفات و خصائص ناپسند انسانی میباشد. کمی سرعت انتقال ذهنی داشتند فوراً دسته جمعی درخانه را ولو با بیل و کلنگ شکسته و داخل خانه گردیده ومجرم دیوانه را در برابر نیروی جمعی خود قرار میدادند. در اینصورت بمحض اینکه علی در برابر هجوم جمعیت ولو پنج نفر قرار میگرفت قطعاً روحیه خود را باخته و خلع سلاح گردیده و تسلیم و طناب پیچ میشد ولی ترس وبی اطلاعی مانع اتخاذ تصمیم آنی و انسانی گردیده و دختر جوان بیچاره را در چنگال شهوت علی تکک وتنها گذاشته اند.

من معتقد به تقدیر نیستم بلکه اعتقاد به تقدیر را باعث بدبختی و ناشی از فلاکت دماغی و جهل میدانم.

بنابراین نباید گفت پروین باید حتماً مقتول میشد زیرا تقدیر چنین بوده است. اگر چنین بوده است پس قدرت حاکمه جامعه چرا علی را مجازات میدهد؟. اعتقاد بتقدیر بنظر من کفر است. پس مرگ و قتل پروین در صورتیکه مسئله دقیقاً مورد توجه قرار میگرفت قابل اجتناب بود. اما تمام نابسامانیا وآشفتهگیاها واختلالات اجتماعی وتمام بدبختی ها کلاً ناشی از یک نیروی شیطانی است که اجتماع در زیر اشعه خطرناک آن قرار گرفته واگر فرصت شود روزی پرده از روی دهشتناک آن برداشته میشود.

در خاتمه از اینکه پروین در جامعه ناموزون در چنگال شهوت علی گرفتار و بقتل رسید متأسفم و درود بروان پاک او میفرستم.